

مزن دختر یک جدامیم؟!

معصومه کیومرثی

سرشناسه	: کیومرثی، معصومه، ۱۳۲۴
عنوان و نام پدیدآور	: من دختر یک جنایم؟! / معصومه کیومرثی.
مشخصات نشر	: تهران: منشور سمیر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۷ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۰۰-۸۰۰-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۱۹۱ / ۱۳۹۵م ۹۷۵ی
رده بندی دیویی	: ۶۲/۳۶۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۲۸۱۳۱



انشارات منشور

من دختر یک جنایم!؟

به نام: معصومه کیومرثی

نوبت چاپ: ۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۰۰-۸۰۰-۲

حق چاپ: ۱۳۹۵. انشارات منشور سمیر www.manshoorsamir.ir تماس: ۰۹۳۶۱۷۷۱۱۹ - ۰۲۱-۵۲۱۵۷۰۰

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در مجموعه در مستندنویسی، و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۷	سخنی با خوانندگان
۹	مقدمه
۱۱	من دختر یک جذامیم؟!
۳۲	قاضی سالار به خانه‌ی آقا کمال رفت
۳۶	سرگذشت باباحسین
۴۲	باباحسین و گدازان به نه ز چنگال آدمکشان فرار کردند
۵۶	قاضی سالار بدیدن آقا کمال رفت
۶۰	قاضی سالار و آقا کمال بدیدن نامه شبیم رفتند
۶۵	نامه‌ی شبیم به خدا، من دختر یک جذامیم؟!
۷۰	سرگذشت شبیم را پی می گیریم
۷۸	قاضی سالار در جنگل گم شد
۸۰	قاضی سالار جایگاه جنایتکاران را یافت
۸۹	محاکمه زن قاتل
۹۵	برنامه شبیم
۹۸	نامه شبیم به خدا - من دختر یک جذامیم؟!
۱۰۱	قاضی سالار عاشق شده بود
۱۰۷	نابودی جنایتکاران
۱۱۶	شک قاضی سالار به پدرش
۱۲۵	پدر قاضی سالار توسط دختری شناسایی شد

- ۱۳۴..... قاضی سالار به اتفاق باباحسین خانه را ترک کرد
- ۱۴۰..... باباحسین راز چندین ساله‌اش را فاش کرد
- ۱۵۳..... عاقبت معتادان و ولگردان و گدایان شهر چه شد
- ۱۶۵..... آنچه که شبیم در دفتر خاطراتش نوشت
- ۱۷۰..... فرار شبیم و دوستش از چنگال آدمکشان
- ۱۷۳..... شبیم به خانه قاضی سالار رفت
- ۱۷۶..... دباری غیر منتظره
- ۱۸۴..... خواستگاری از شبیم
- ۱۹۰..... رازهای شبیم برافشا شد
- ۲۰۱..... سرنوشت شبیم روشن شد
- ۲۰۸..... پسر شبیم به راز مناسبتش پی برد
- ۲۱۶..... سری به قاضی سالار بزنیم
- ۲۲۲..... قاضی سالار به آسایشگاه جذامیان رفت
- ۲۲۴..... آشنایی شبیم و سالار
- ۲۳۹..... خانواده سالار به خواستگاری رفتند

سخنی با خوانندگان

اطلاعاتی درباره بیمارستان بابا باغی (جذامیان) تبریز- آذربایجان شرقی
در این آسایشگاه ۴۲۰ نفر زندگی می کنند که ۱۲۰ نفر آنها متأهل هستند
البته این آمار حدوداً "حساب می شود که تقریباً ۳۵۰ نفر آنها جذامی هستند، بقیه
فرزندان آنها هستند که همگی سالم و تندرست می باشند. تا کلاس ششم ابتدایی
فرزندان جذامی ها در آسایشگاه تحصیل می کنند. بعد جهت ادامه تحصیل به شهر
می روند و بعضی از آنها به دانشگاه رفته و تحصیلات عالیه کسب می کنند که با
کمک دولت و کمکهای مردمی بجا می شود.

دولت وسایل خورد و خوراک، آنها را تهیه می کند و به آنها می دهد که متأهل
هستند منزل جداگانه داده و آنها را که مجرد هستند سه یا چهار نفر باهم در یک
خانه زندگی می کنند و امکانات رفاهی آنها را فراهم نموده و به هر جذامی مبلغی
در حدود ۶۰-۵۰ هزار تومان پول نقد می دهد.

فرزندان جذامی ها تا زمانی که بتوانند وارد اجتماع شاه کاری برای خود
دست و پا نمایند همچنان در آسایشگاه نزد والدین خود می مانند. اگر دختران و
پسران آسایشگاه که کاملاً سالم هستند با یکدیگر ازدواج کرده و تشکیل یک
زندگی جدید می دهند. دیده شده که دختر و پسر با دختر و پسر غیر از
فرزندان جذامی ها ازدواج کرده اند که بسیار کم است. امید است روزی را شاهد
باشیم که اجتماع این فرزندان را با آغوش باز پذیرا شوند و آنها را از آن محیط
دور کنند تا آنها نیز چون سایر ایرانی ها از نعمتهای خدای مهربان استفاده کنند.

مطالب فوق را با همکاری و کمک‌های فرزین رضاونده - حسابدار آسایشگاه به دست آورده‌ام.

چه خوب است از کسانی که در آسایشگاه بابا باغی (جذامیان) خدمت صادقانه می‌کنند و عمر و جوانی خود را به پای بیماران فنا می‌کنند قدردانی شود. اینها واقعا انسانهای فداکار و ایثارگری هستند که از جانشان و عمرشان مایه می‌گذارند. چگونه ممکن است انسان در جایی، دور از اجتماع پشت کوهها، در مکانی بیست و دور افتاده، به افتادگان و بینوایانی به نام جذامیان خدمت کند. چگونه می‌تواند خدمات این فرشتگان روی زمین اجر داد.

کدام قلم و کدام نرسنده توانا می‌تواند بزرگواری و گذشت چنین فرشتگانی را به تصویر بکشد؟ آن کلمات و جملات در برابر فداکاری آنها خم نمی‌شوند؟ فرو نمی‌ریزند؟ این فداکاران هم گام و همراه جذامیان شب را به روز و روز را به شب می‌رسانند و از لذت آزادی خود، یعنی زندگی در میان انسانهای سالم، دیدن زیبایی‌ها گردش‌ها، تفریح و سرگرمی ... گذشته‌اند تا اشک از چشمی و غم از دلی یزدایند.

بنده، دست و پای این عزیزان را می‌بوسم و خون می‌چکس توانایی آن را ندارد که پاسخگوی زحمات طاقت فرسای این فرشتگان آسمانی باشد. می‌گویم ای فداکارترین بنده‌های خالص خدا خسته نباشید. اجرتان با یک آفریننده جهان باشد.

آدرس: تبریز - میدان آذربایجان - جاده آناختون - بیمارستان بابا باغی (آسایشگاه جذامیان)؛ شماره تلفن: ۰۴۱-۳۲۶۹۲۳۲۲ و ۰۴۱-۳۲۶۹۲۳۲۴ و ۰۴۱-۳۲۶۹۲۳۳۱ و

۰۴۱-۳۲۶۹۲۱۳۲

به نام آنکه اوّل درمان، بعد درد را آفرید

«مقدمه»

در تاریخ بشریت همیشه از زندگی بزرگانی چون پادشاهان، سرداران، مورخان، شاعران، نویسندگان، دانشمندان، مخترعان و... کتابها نوشته شده و زندگی آنها را با آب و تاب به رسم کشیده‌اند. البته لازم است که همه از زندگی کسانی که نام برده شده آدسی داشته باشند.

سربلندی و عظمت و افتخار یک کشور و یک ملت به وجود انسانهای بزرگ و سرشناس بستگی دارد. زندگی پادشاهان، ملوک و بزرگان آنها، اختراع مخترعین و ثبت اختراع و دانش بزرگان علم و... اما چه خوب است اگر از سرگذشت بعضی انسانهای بزرگ و گمنامی که در مرداب زندگی دست و پا زده، تلاش کرده، بزرگ شده، و نام انسان و انسانیت را به تاریخ ابدیت متصل کرده‌اند، نامی برده شود و درباره‌ی آنها کتابی به رشته تحریر درآید. چقدر خوب است که کسانی که اهل قلم هستند می‌توانند با سحر کلام و معجزه‌ی قلم، کلمات را به بازی گرفته آثاری خلق کنند. سری به زندگی این مردان و زنان بزرگ و گمنام بزنند تا ببینند اسطوره‌هایی وجود دارند که دست کمی از کسانی که نام بردیم ندارند.

در این کتاب سرگذشت دختر یک جذامی به تصویر کشیده شده که نویسنده سرگذشت این دختر را با قوه تخیلات خود، در هم آمیخته و کتابی جذاب و خواندنی را به خوانندگان هدیه کرده است.

در این کتاب از زندگی دختر یک جذامی پرده برمی‌داریم که از میان مرداب آسایشگاه جذامیان از پشت دیوارهای خشن و تیره‌ی جذامخانه و از میان آغوش پدر و مادری جذامی، و از میان تیرگی و تاریکی قد برافراشت. بپاخاست با معرّه، حلمش و با سحر کلامش چگونه امید را در دل جذامیان زنده نگه داشت. او توانست با رشته‌هایش و خواندن آنها، برای جذامیان در بهبودی سریع بیماری نقشی داشته باشد و بتواند عده‌ای را از چنگال این بیماری خانمان برانداز نجات دهد و با انجام کارهای ارزشمند خود و تلاش و زحمات شبانه روزیش برای تحقق بخشیدن به مرام والای انسانی، دست درماندگان و افتادگان فرزندان سالم جذامیها را گرفته به سلامت به ساحل دریای متلاطم و طوفان زده‌ی زندگی برساند. او دست در دست این فرزندان توانمند چون کوهی مقاوم و شکست ناپذیر در برابر مشکلات ایستادگی کرده یک زندگی موفق و ایده آل را رقم زنند. با ما همراه شوید!

مصطفی کیومرثی

خرداد ماه ۱۳۹۴ شمسی